

## نگاهی به فرهنگنامه جغرافیایی

تصمیم داریم در هر یک از شماره‌نشریه یک و یا دو مبحث و اصطلاحات جغرافیایی را ترجمه کرده و در اختیار دانشجویان بگذاریم تا در مطالعات و تحقیقات جغرافیایی خود از این شناخت‌ها سود جویند. در انجام این هدف ۴۸ اصطلاح و موضوع جغرافیایی که به ترتیب الفبای فرانسه در فرهنگنامه جغرافیای مؤلفان زیر:

پاسکال بُد، سرژ بورژا، کاترین برا

تنظیم و تدوین شده است به تدریج در معرض استفاده دانشجویان قرار می‌دهیم. ترجمه زیر مقدمه مؤلفان به فرهنگ جغرافیایی است که با بهره‌گیری از دیدگاه‌های نو در بستر جغرافیا، در سال ۱۹۹۷ تجدید چاپ شده است.

ترجمه: دکتر یداله فرید

### معرفی فرهنگنامه

این فرهنگنامه جغرافیا خطاب به کسانی است که به گونه‌ای به این نظام علاقمند هستند، بویژه کلاسهای پیش دانشگاهی و آمادگی، دانشجویان جغرافیا و تاریخ، حتی دبیرانی که به تدریس جغرافیا در دوره دوم دبیرستانها اشتغال دارند، می‌توانند از آن سود جویند. جغرافیا نظام علمی بسیار وسیع و در حال تغییر عمیق است، مطالعه سریع اندکس\* بخوبی نشان می‌دهد که در کنار بیقاعدگی‌های نظام که اشکال رویش گیاهی، مذاهب بزرگ، اکوسیستم دریاها، حمل و نقل هوایی و... را در مجموعه‌ای با هم مورد بحث قرار می‌دهد،

\* - اندکس (Index) فرهنگنامه در پایان کتاب در ۶۴ صفحه آورده شده است. مترجم

ممکن نیست که عمق و کُنه معانی را از آن طلب کنیم. با وجود این در طرح هیچیک از منظر و مطالب جغرافیایی غفلت نشده است.

- گرایش کنونی جغرافیا در دو جهت مشخص و ممتازی است: از سوی مطالعات جغرافیایی متمرکز روی جوامع (مقالات «جامعه»، «جمعیت، جمعیت‌شناسی»، «یگانه‌سازی و همبستگی» و...) است و از دیگر سو به طرح مسایل ژئوپلیتیکی (دولت، ملت، کشور» و «ژئوپلیتیک مرزها» «اقیانوس، دریا»...) می‌پردازد.

- هدف جغرافیای «اقتصادی» به طور مشخص درک تناقضات فضایی جریانهای بزرگ جهانی است، نظامی که سالها در کلاسهای آمادگی و نهایی تدریس می‌شد، حال در فصل‌های بیشماری موضوع آن بر محور مبادلات بین المللی و صنایع و... مورد بحث قرار گرفته است.

- در قلمرو جغرافیای سنتی روشها و موضوعات جغرافیای فیزیکی و انسانی عمومی گاهی به بحث در تاریخ جغرافیا کشانده می‌شود و گاهی با تفسیر عمیق، با نواندیشی، موضوعهای سنتی مسلم را با نگاه نو مطالعه می‌کند. بنابراین در این علم همانطوریکه تعریف «مورن انتهای» (۱) مطرح می‌شود، از «کورم» (۲) و همچنان از سیلاب و «ژئون» (۳) نیز سخن گفته می‌شود، چرا که حتی با فرض جغرافیا به عنوان دانش اجتماعی نمی‌توان تاریخ و تنوع آن را انکار کرد.

چهل و هشت مقاله فرهنگنامه از موضوعهای مهم جغرافیا بحث می‌کند و پرسش‌های زمان ما را مطرح می‌نماید. بعضی از مطالب آن نسبت به چاپ اول فرهنگنامه تازگی دارد و برخی‌ها نیز تغییر و اصلاح شده است، بقالات بوسیله نمودارها، نقشه‌ها و مطالبی در کادر (چهارچوب)ها تنظیم یافته، تکمیل شده است.

سیستم ارجاع به مقالات دیگر که با جمله کوتاه «همچنین بخوانید» با ۲۷۰۰ کلمه و با ۸۰۰ کلمه اضافی نسبت به چاپ نخست مشخص شده است، به تکمیل همه مطالب کمک می‌کند. و گاه عبارتی چندین بار تکرار شده، که می‌توان از آن به رهیافت‌های متفاوتی رسید (اندکس را به بینید) مولفان

F. Agriculture, Élevage

E. Agriculture and Animal Husbandary

## ۱- کشاورزی، دامپروری (۴)

از نظر ادبی کشاورزی یعنی انجام کشت «culture» روی مزرعه یا فضای شخم زده است. کشاورزی با کار روی زمین، از نظر تولید گیاهی و در مفهوم وسیع، با تولید حیوانی مشخص می‌شود.

کشاورزی در معنای دقیق و صحیح کلمه و بطور اساسی به ساختارهای زراعی وابسته است. این وابستگی در سطحی پائین در مورد دامپروری هم دیده می‌شود، چراکه تولید دام در محدوده‌های شهری، فراتر از خاک زراعی و بدون رابطه با سنت کشاورزی هم امکان‌پذیر است. با وجود این، در مجموع کشاورزی است که در شکل بندی چشم انداز روستاها شرکت دارد.

### شرایط تاریخی، طبیعی و اقتصادی کشاورزی:

\* کشاورزی همیشه همپا و جفت با رشد جمعیتی است

در دوره «نوسنگی» (۵) است که جوامع به طور وسیع از میوه چینی (۶) (جمع‌آوری و یا چیدن ساده تولیدات غذایی) و شکار به مرحله کشت و دامپروری گذر کرده‌اند. اما این تغییر شکل زندگی که بی تردید ناشی از فشار جمعیتی بوده، همه جا تعمیم نداشته است. در بعضی از نواحی، نظیر آمازون، آنجا که طبیعت بدون تلاش و زحمت نیازهای جمعیت‌های معدودی را فراهم می‌کند، اقتصاد مبتنی بر میوه چینی هنوز به روزگار ما بقاء و تداوم دارد، بدیهی است که ورود به دوره «نوسنگی» با بخدمت گرفتن طبیعت از سوی انسان و ظهور اشتغالات مربوط به نظم اقتصادی و احتمالاً از راه جنگ و ستیز امکان‌پذیر شده است.

تمام تاریخ کشاورزی در جهت تحقیق در تنوع تولید و بازده (۷) بالای تولید (تولید در هکتار) سپری شده است، و در همین بستر تاریخ گذر وسیع از کشاورزی فصلی، جاده‌ای به

کشاورزی ثابت در مکان، حذف وسیع آیش، بهبود نوع حیوانات و گیاهان نیز تعقیب شده است. دست آورد این پدیده‌ها بر حسب قاره‌ها در ادوار مختلفی بوده است: در قرن ۱۸ در فرانسه حرکت «فیزیوکراتها» (۸) نقش محرکی را در اطراف «کینی» (۹)، «تورگو» (۱۰) و «میرابو»... (۱۱) بازی کردند. این دکترین در اولین طرحواره خود، بنام «نظام طبیعی» (۱۲) و ادراک اقتصادی «تولید خالص» (تفاضل ثروت ایجاد شده نسبت به ثروت هزینه شده به تبع کار) را مورد دقت قرار داد و به توسعه کشت‌های بزرگ، کاربرد کودها و... بالاخره به افزایش «بهره وری کشاورزی»، که به عنوان رابطه بین تولید و وسایل بکار گرفته برای بدست آوردن نتیجه بیشتر، که معمولاً نسبت به واحد زمان کار ارزیابی می‌شود، کمک کرد.

نوآوری کشاورزی در حذف چادر نشینی، که اغلب از جانب حکومت‌های کشورهای جنوب تشویق و تقویت می‌شد، موثر افتاد و جمعیت‌های متحرک را با «یکجانشین کردن اجباری» به تثبیت جغرافیایی کشاند، کاری که به آن از سوی جمعیت‌هایی که به مقتضای تغییر فصول به رفت و برگشت از مرزها عادت داشتند، رغبتی نشان داده نمی‌شد.

افزایش تولیدات کشاورزی می‌رفت که به توازی رشد جمعیت حرکت کند و کشاورزی به تدریج قادر به تغذیه جمعیتی باشد که رفته رفته رشد می‌یافت. با وجود این «بحران معیشتی» (۱۵) تا قرن ۱۹ در اروپا تداوم داشت. اما افت و سقوط شدید جمعیتی مربوط به عوامل مختلفی چون عدم سازگاری آب و هوا و جنگ و نارسایی تغذیه و... به تدریج با انقلاب کشاورزی از بین رفت. اما تنگناهای یاد شده هنوز در کشورهای در حال توسعه اقتصادی وجود دارد.

#### \* پیشرفت‌های کشاورزی جدا از پیشرفت‌های تکنیکی نیست

کشاورزی و دامپروری تنگاتنگ به محیط طبیعی و در مرتبه اول به آب و هوا که تعیین و تثبیت کننده مناطق بزرگ کشاورزی است، وابسته می‌باشد. عامل اصلی وجود آب است، اما سرما و در شرایطی ناهمواری عامل محدود کننده کشت است و کشاورزی کوهستانی معمولاً کشاورزی فقیری است. با این همه در مورد کشت نمی‌توان جبرگرایی مطلق را باور داشت و پذیرفت، و اگر چه آبیاری به عنوان مثال به انجام کشت در مناطق خشک فرصت می‌دهد،

ولی شرایط تکنیکی و اجتماعی - اقتصادی که تعیین کننده بخش بزرگ از سیستم کشاورزی است، بجای خود مهم می‌باشند.

سیستم‌های کشت یا سیستم‌های کشاورزی (۱۷) (یعنی مجموع عملکردهای مربوط به کشت و دامپروری) در مفهوم دقیق تعیین کننده مجموع گیاهان کشت شده، و گردش احتمالی آن در محدوده آیش و تقویم مورد استفاده زراعی است و در سطح وسیع تکنیک کاربردی را نیز شامل می‌شود. این سیستم‌ها، بی اندازه بر حسب عوامل پیشمار، بویژه عوامل طبیعی و سرمایه‌ای تابع تغییرند و معمولاً کشاورزی به «ساختارهای زراعی» (۱۸) یعنی به شرایط اجتماعی و مالکیت زمین و حتی به شرایط بازار وابسته است. بر این اساس کشاورزی در محدوده نوآوریهای تکنیکی عمیقاً دگرگون شده و رشد یافته است، اگر چه برخی از نواحی جهان بطور مستقیم از چنین رابطه‌ای دور بوده‌اند.

دویست سال است در انگلستان انقلاب کشاورزی با انقلاب صنعتی همراه و در رابطه بوده است و با حذف آیش زمین و بذر افشانی شبدر و ایجاد چمنزارهای مصنوعی و بازپس‌گیری آرت زمین و عمقی کردن تولید، به مکانیزه کردن کشاورزی منتهی شده است.

با وجود این، انقلاب کشاورزی حتی در کشورهای ثروتمند نیز حدّ و مرزی دارد. به همانگونه که «تک کشتی» (۱۹) یعنی کشت و تولید محصول مشخصی که در نواحی امریکا با عنوان «بلت» (۲۰) یا کمربندها (نظیر کمربند غلات، (۲۱) کمربند پنبه... (۲۲)) معمول بوده در سال ۱۹۳۰ به فقر و فروسای غم‌انگیز خاکها انجامید. همچنین «داست باول» (۲۳) یا حوضه گرد و خاک، در شمال جلگه‌های بزرگ ایالات متحده، در معرض فرسایش بادی ویران کننده‌ای قرار گرفت. و از این پس تک کشتی برای چند تولید ویژه‌ای (نظیر موکاری)، در نظر گرفته شد و بجای آن «چند کشتی» (۲۴) که یک کشت حاکم همگام با چند تولید تکمیلی دیگر کشت می‌شد، معمول گشت. همه جا بویژه در کشورهای ثروتمند «مکانیزه کردن» کشاورزی و

\* - مکانیزاسیون و یا موتوریزه کردن کشاورزی هجارت از افزایش بهره وری کار، کاهش خدمه کشاورزی است که به مدد سرمایه امکان‌پذیر است که به شکل فردی در اکثر کشورهای اروپای غربی و جمعی در ایالات متحده امریکا انجام می‌شود.

کاربرد وسیع کودها و داروهای حشره کش تعمیم یافت. چنین انقلابی به بازده بیشتر و بهره وری قوی منتهی شد و در عین حال مخطوراتی را در آرایش آب‌ها به وجود آورد.

«انقلاب سبز» (۲۵) یعنی انقلاب دوم واقعی کشاورزی در سال ۱۹۶۰ با عمل آوری گیاهان دو رگه مانند (برنج‌های معجزه) با بازده فوق العاده در صحنه کشت ظاهر شد و در کشورهای جهان سوم مورد کشت قرار گرفت. کشت این گیاهان دو رگه می‌بایست از موجبات تخفیف و کاهش گرسنگی در جهان باشد. «نورمان برلگ» (۲۶) مهندس کشاورز مخترع (گندم‌های معجزه) در سال ۱۹۷۰ به دریافت جایزه نوبل موفق شد. با وجود این، موفقیت این انقلاب نسبی شد، چراکه افزایش بازده تولید علاوه بر آنکه با شرایط اجتماعی - اقتصادی جوامع روستایی در رابطه بود، سرمایه‌گذاری هنگفتی را می‌طلبید که فراتر از بُرد بودجه‌ای دهقانان بود.

در سال ۱۹۹۴ «انقلاب دو برابر سبز» (۲۷) باب روز شد. این انقلاب سعی داشت با سازگار کردن شرایط محلی، بویژه با رشد و توسعه مناطقی که ظرفیت کشاورزی ضعیفی داشت، افزایش بازده تولیدات کشاورزی را با حفظ محیط زیست سازش دهد.

#### \* مساله مالکیت زمین

شرایط اجتماعی - اقتصادی کشاورزی به عوامل متعددی وابسته است: میراث استعمار، سنگینی چند ملیتی کشاورزی غذایی، تکامل جریانهای جهانی، بخشی از عوامل برون مرزی موثر در کشاورزی است.

در بین عوامل داخلی، مساله اساسی مالکیت زمین است که در شکل بندی چشم انداز زراعی و میزان تولید و بازده آن عامل موثری است.

در گذشته در بسیاری از کشورها، کشاورزی با شرکت گروهی از افراد انجام می‌گرفت: «مزرعه باز» (۲۸) اروپایی «میر» (۲۹) روسیه تزاری، «اژیدو» (۳۰) مکزیک‌ها به عنوان نمونه قابل ذکر است. این قبیل فعالیت‌های کشاورزی کلاً در محدوده اتحادیه روستایی و معمولاً در قالب روستای دهقانی و با تقسیم فعالیت‌های تولید و اغلب بر مبنای قاعده و روال زندگی جمعی و اتحادیه‌ای شکل می‌گرفت.

در جریان قرن بیستم دگرگونی اساسی روی مسایل کشاورزی و زمین داری پیش آمد و «اصلاحات ارضی» (۳۱) از ایتالیا تا آمریکای لاتین عملی شد و زمین بین خرده مالکان و یا بهره برداریهای جمعی توزیع شد. بیلان این کار متغیر بود، مالکان بزرگی که خلع ید شده بودند با نتایج کم و بیش توفیق‌آمیز این قبیل اصلاحات مخالفت کردند. مثلاً بعد از استقلال هند زمین داران (۳۲) بطور موثر با اصلاحات ارضی آن کشور تا سال ۱۹۶۰ مخالفت ورزیدند.

در امریکای لاتین بین «زمین داران کوچک» فقیر و «زمین داران بزرگ» (۳۳) که زاده و معلول دوران استعمار بود، گونه‌ای از همزیستی وجود داشت که در کنار هم، بشکل نامتمرکز و سطحی کشت می‌کردند. بر حسب کشورها در امریکای لاتین بزرگ زمین داری باسامی مختلف «Haciendas»، «Estancias» و بالاخره در برزیل «Fazendas» نامیده می‌شد.

دگرگونی دیگری، در قرن بیستم با اشتراکی کردن مزارع در کشورهای سوسیالیستی به وقوع پیوست. بهره برداریهای جمعی امروز یا اثر و جای پای از دوران پیش استعماری دارد و یا ماندگاری از جامعه سوسیالیستی است و «کمون‌های مردمی» (۳۵) چینیان که بهره برداریهای وسیعی را با چندین هزار ساکن تشکیل داده است چندان با کامیابی اقتصادی روبرو نیست.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بهره برداریهای تعاونی یا «کلخوز»ها (۳۶) در سال ۱۹۹۲ حذف می‌شود و مزارع دولتی یا «سوخوز»ها بر حسب نواحی به اشکال مختلف در آمده و اداره می‌شوند: برگشت زمین اختصاصی یا از طریق مالکیت مستقیم برقرار شده و یا با انعقاد اجاره نامه‌ای تحقق یافته است (اجاره نامه قراردادی است که زمین را برای مدت معینی در اختیار اجاره کننده قرار می‌دهد). در مورد مالکیت‌های دولتی (سوخوزها) (۳۷) زمین برای مدت طولانی به اجاره یک بهره بردار واگذار می‌شود. در تمام حالات و بعلم مختلف (در حالی که نه گرای، و نبود انگیزه شخصی در حالت دیگر) بیلان کشاورزی کاهش پذیرفته است.

بهره برداری‌های جمعی و اشتراکی کشورهای دموکراتیک بروشنی بیلان باد کرده و فریبنده‌ای نشان می‌دهد، در حالی تنها مالک و گاهی کار روی زمین بحالت اشتراکی انجام می‌شود، به گونه‌ای که در «گروه کشاورزی بهره برداری مشترک» (۳۸) کشور فرانسه می‌بینیم و در

شرایط دیگر اتحادیه واقعی روستایی شکل گرفته است: در کیبوتص (۳۹) اسرائیلی ها نه تنها ساختارهای تولید، حتی بسیاری از عناصر زندگی اجتماعی بحالت اشتراکی انجام می شود. بهره برداران فردی که مالک زمین خود هستند، می توانند با کمک و یا بدون کمک نیروی کار دیگر، خود مستقیماً و یا به طور غیر مستقیم بهره برداری کنند، در این صورت بهره بردار زمین خود را به فرد دیگری، در برابر اخذ پولی که مستقل از نتیجه کار مزرعه است، به اجاره واگذار می کند و در صورتی که تقسیم عایدی ملک مطرح باشد. بجای پول بخشی از برداشت محصول را مالک اصلی دریافت می کند. بر حسب سیستم «اجاره داری» (۴۰) سهم مالک از برداشت محصول می تواند کم و بیش مهم باشد.

در شمال افریقا سیستمی از بهره برداری وجود دارد که در آن «خامسات» (که امروز به طور رسمی حذف شده است) بهره بردار یا «خامس» (۴۲) جز  $\frac{1}{3}$  از تولید سهم نمی برد. صاحب بهره برداریهای بسیار بزرگ می تواند از وجود کارگران کشاورزی با پرداخت دستمزد به شکل ماهانه و یا روزانه استفاده کند. این چنین به حاصل رساندن تولید بر حسب نواحی و رژیم های سیاسی فرق می کند. بهره برداری مستقیم قویاً در اروپای غربی معمول و برقرار شده است. اما در روسیه بعد از فروپاشی، به دلایل سرمایه گذاری و حتی روان شناختی به گونه نامطلوب توسعه یافته است.

ویژگیهای کشاورزی نتیجه عوامل متعددی است و بر مبنای انگاره و دیدگاهی، ملاحظات طبیعی در برابر ترکیب و ساختار اقتصادی چندان مهم نمی نماید.

### گونه های کشاورزی بزرگ در جهان

#### \* کشاورزی خشک، کشاورزی آبیاری شده:

تسلط بر آب عامل مهم و اساسی برای کشاورزی و دامپروری است. در بعضی از نواحی، آبهای اضافی با زهکشی و کارگذاری مجاری و یا از طریق شخم خاصی، که ایجاد کننده گودیهایی است و نقش جویبار را ایفا می کند، تخلیه می شود. حالت کاملاً ویژه چنین اقدامی در «پولدر» (۴۳)ها نشان داده شده است: پولدر عبارت از زمین هایی است که با ایجاد سد از دریا گرفته می شود. زهکشی این اراضی که بعد از بستن سد آغاز می گردد، به نمکگیری وسیع



آبها منتهی می‌شود.

آبیاری عبارت از مجموعه تکنیک‌هایی است که امکان می‌دهد در لحظه نیاز برای انواع کشت از آن استفاده شود. در برخی از مناطق خشک وجود آب برای انجام کشاورزی ضروری و حیاتی است و در برخی از مناطق دیگر نقش مکمل را در فصل خشک دارد و به عنوان آبیاری تکمیلی از آن یاد می‌شود.

در گام نخست بجااست که تکنیک طغیان آب را از تکنیک خاص آبیاری مشخص کرد: آبیاری بر توان جریان آب بهنگام نیاز متکی است، در برخی از نواحی، که از طغیان آبهایی که بهنگام بارش بیشتر و بالا آمدن آب درفضاهای گودمانندی ذخیره می‌گردد (در مزارعی که بوسیله سد بندی در حصار گرفته شده است) برای هدفهای کشاورزی از آن استفاده می‌شود. پیش از ایجاد سد آسوان در مصر، دهقانان مصری با بهره‌گیری از این روش، از طغیان رودخانه نیل در آبیاری مزارع خود استفاده می‌کردند و پس از ایجاد سد کشت بر مبنای آبیاری معمول گردید.

در مورد تکنیک آبیاری، می‌توان با زهکشی آب و ایجاد مجاری انحرافی از رودخانه‌ای و جریان دادن رشته آبی به مزارع\* و یا با ایجاد چاههایی به جمع‌آوری آبهای سفره‌های زیرزمینی پرداخت و سپس با ایجاد کانالهای هوایی و یا زیرزمینی آب را به مزارع جریان داد (فقار (۲۲) در صحرای افریقا و قنات در ایران به عنوان مثال قابل ذکر است.)

بالاخره توزیع آب را در مزارع می‌توان با پاشیدن آب انجام داد و یا با استرداد آب به شکل باران و غرقاب مزارع در حالی که کاملاً پوشیده از گیاه است و یا با آبیاری قطره‌ای پایه گیاهان را آبیاری کرد.

تمام تکنیک‌های آبیاری شالیزارهای آسیایی، سیستم آبیاری چمنزارهای کلمبیا در آندهای کنونی، مجاری آب کرانه‌های صحاری، به طور خاص بوسیله جغرافیدانان مطالعه شده است، چرا که همه تکنیک‌های آبیاری نه تنها کشاورزی و چشم اندازهای ویژه‌ای را ایجاد

\* - ایجاد نهرهای انحرافی از رودخانه ارس را به دشت مغان، که موجبات یکجانشینی ایلات را در جهت انجام کشاورزی ثابت

در آن دشت فراهم آورده است. می‌توان به عنوان الگوی روشنی از چنین شیوه آبیاری مطرح ساخت. مترجم

می‌کند، حتی به شکل یابی جامعه خاصی نیز منتهی می‌شود. لذا توزیع آب مستلزم کار جمعی است.

**\* کشاورزی عمقی (متمرکز) (۴۵)، کشاورزی سطحی (نامتمرکز) (۴۶)**

ویژگی کشاورزی عمقی بازده بالای آن است که دقیقاً متباین با کشاورزی سطحی است که به سبب شرایط طبیعی سخت و یا بعثت سرمایه‌گذاری محدود بهره‌وری ناچیز دارد، و این در واقع جریان تضاد کشورهای ثروتمند دارنده کشاورزی عمقی با کشورهای فقیری است که کشاورزی سطحی دارند. بدیهی است که کشورهای بسیار فقیر در دستیابی بر تکنیک نوین کشاورزی تاخیر کرده‌اند و روش‌های کشت و دامپروری آنها کهن و سنتی است.

«کشاورزی جاده‌ای (۲۷)» که در کنارهای صحاری متداول است و به مقتضای تغییر فصول جابجا می‌شود، همانند «کشت فصلی روی سوخته» (۲۸) جنگلها است. در این نوع کشت، نواحی سوخته زیر شخم می‌رود و تا زمانی که زمین حاصلخیزی خود را از دست نداده است، بمدت چندین سال متوالی روی آن زمین کشت می‌شود.

بطور معمول کشاورزی یکجا نشین خشک که اغلب بدون آبیاری، به گونهٔ دیم در افریقا و فلاتهای آند انجام می‌گیرد، اکثراً بازده مسخره‌آمیزی دارد، بعلاوه موارث استعمار نیز در سطحی شدن کشت سهیم است. همچنین در مالکیت‌های بسیار بزرگ امریکای جنوبی در وسعت هزارها هکتار که به شیوه سطحی زیر کشت می‌رود معمولاً بهره برداری نارسا است. اما تقسیم کشورها به شمال و جنوب اجباراً در تبیین اختلاف در عمقی بودن کشت‌ها بجا و منطقی به نظر نمی‌رسد و مثال گواه این مدعا است:

- در بسیاری از کشورهای جهان سوم درختکاری وجود دارد که از آن عمدتاً در محدوده خانواده‌ها بهره برداری می‌شود و اغلب متوجه بهره بردارهای بزرگ از نوع سرمایه داری و متمرکز روی کشت مسلطی است که در جریان صادرات قرار داده می‌شود (نظیر آناناس، قهوه، پنبه، هوا...) چنین کشت‌ها گاهی مجهز به آزمایشگاههای تحقیقاتی مربوط به دانش کشاورزی هستند که به بارآوری عمقی محصولات کمک می‌کند. این بهره بردارها می‌توانند به کمپانیهای حمل و نقل دریایی که اغلب بوسیله موسسات کشورهای ثروتمند جهان کنترل

می‌شوند، وابسته باشند. با همه این، بهره برداریهای مورد بحث در احاطه اقتصادی کشورهای می‌باشند و کمتر با کشورهای پذیرای تولیدات در رابطه‌اند و درآمد قابل ملاحظه‌ای ندارند.

- مثال دیگر، در اتحاد جماهیر شوروی سابق، با آنکه گاهی وسایل مادی مهم در اختیار کلخورها بود ولی بازده آنها نسبت محیطهای دیگری که امکانات کمتری داشتند، ضعیف بوده است. اعضاء این تعاونی‌ها بخش کوچکی از زمین «لوپین» (۴۹) را در مالکیت خود داشتند و در همین قطعه کوچک کشاورزی عمقی با بازده بسیار بالا نسبت به کل کلخوز انجام می‌گرفت. بنابراین روی یک زمین همسان با آب و هوای یکسان و با وسایل کمتر می‌توان کشاورزی عمقی را در کنار کشاورزی سطحی به عمل آورد.

بنابراین عوامل موثر در کشاورزی عمقی بسیارند، از آن جمله فن آوری، اقتصاد و حتی سیاست را می‌توان نام برد، مکانیزاسیون، اندازه و وسعت بهره برداری، مصرف کودها از اساسی‌ترین عوامل هستند. آبیاری در منطقه خشک بویژه در فصل خشک، زهکشی در منطقه مرطوبی، کشت گلخانه‌ای زیر محفظه‌هایی به عمل آوری عمقی تولیدات کمک می‌کند. اسباب و آلات مربوط به تعدیل تنگناها و الزامات آب و هوایی می‌تواند به بارآوری غیر متعارف تولیدات فرصت دهد: در ایسلند، در ۶۵ درجه عرض شمالی موز و خربزه بگونه عمقی بدست می‌آید.

عمقی کردن کشت اغلب به هدف نهایی کشاورزی وابسته است. کشاورزی سطحی غالباً به منظور «خود مصرفی» (۵۰) بویژه تولید ارزاق و مواد لازم به تغذیه انسانها جهت‌گیری می‌کند. در چنین کشتی انبارکردن و بازرگانی محصول حالت استثنایی دارد، مگر در مورد پرورش گاو به گونه سطحی، به ترتیبی که در غرب امریکا معمول است. بر عکس کشاورزی عمقی تولید اضافی و تراکم کالا را آماده برای بازرگانی دارد. بنابراین از کشاورزی عمقی هدف بازرگانی و سود آوری بیشتر تولیدات است. مثال بارز آن را در اسپانیا می‌بینیم که بنام «Huertas» معروف شده و آن عبارت از ایجاد باغات در وسعت‌های مختلف برای تولید قابل ملاحظه‌ای از میوه‌ها و سبزیجات است. اضافه کنیم که کشاورزی علاوه بر نقش‌های محلی، در مقیاس بین‌المللی نیز ایفای نقش می‌کند و به عنوان ابزار «ژئوپلیتیک» جهانی بکار گرفته می‌شود.

## نقش اقتصادی و سیاسی کشاورزی

### \* وزن اقتصادی قابل ملاحظه:

نقش کشاورزی در اقتصاد محلی روشن است و می‌تواند قابل ملاحظه باشد: مثال موکاری در کشور فرانسه است که بطور نمادین کشاورزی ناحیه‌ای است که شهرت جهانی و قدرت اقتصادی فراتر از مرزهای محلی دارد و به تدریج نقش اقتصادی جهانی کسب کرده است.

در مقیاس جهانی کشت‌های آذوقه‌ای در برابر کشاورزی بازرگانی پس روی خاصی نشان می‌دهد و بر همین اساس فرانسه آناناس کشور «کت دیوار» را وارد می‌کند و کت دیوار گندم فرانسه را می‌خرد و رشد کشت بازرگانی همپا با جهانی شدن اقتصاد و توسعه رشته کشاورزی غذایی پیش می‌رود.

اگر موضوع «کشت بازرگانی» (۵۱) آمریکا تعیین‌کننده تمام فعالیت‌های کشاورزی سرمایه‌ای آن کشور باشد، در این صورت اصطلاح «رشته کشاورزی غذایی» (۵۲) و یا «مجتمع کشاورزی غذایی» (۵۳) تمام بخش‌های واقع در فرادست تولیدات کشاورزی (صنایع شیمیایی برای تولید گیاهان بهداشتی و سالم برای مثال) را در بر می‌گیرد و می‌پوشاند، و کشاورزی و دامپروری که رفته رفته به «صنایع کشاورزی غذایی» (۵۴) (که تولیدات گیاهی و حیوانی را به مواد غذایی تبدیل می‌کند) و به شبکه‌های توزیع آن وابسته می‌شود، در پائین دست قرار می‌گیرد. اقدام این موسسات به تنظیم قراردادهایی بین کشاورزان چند ملیتی که روی پنج قاره کره زمین استقرار یافته‌اند منتهی شده است.

از نظر اقتصادی نتیجه عملکرد صنعت کشاورزی - غذایی (IAA) در بخش کشاورزی مهم و اساسی است. به علاوه نقش کشاورزی و دامپروری در اقتصاد کشورهای بزرگ توسعه یافته، نظیر استرالیا و زلاندنو (جایی که تعداد گوسفندان این کشورها ۱۵ برابر بیش از جمعیت آنها است) مهم و استثنایی است. عموماً جهانی شدن محسوس کشاورزی سود کلانی را متوجه تولیدکنندگان مواد کشاورزی می‌کند و در مقیاس دولت‌های جهان صنعتی، کشاورزی مطلق جای مهمی اشغال کرده است، اگر چه بر اثر رقابت‌های بین المللی سود بهره‌وری و تعداد کشاورزان در کشورهای ثروتمند رو به کاهش باشد. چنین جریانی ایجاب

می‌کند که دولت‌ها و یا گروهی از دولت‌ها سیاست کشاورزی خاصی داشته باشند: «سیاست کشاورزی مشترک» (۵۵) که از سال ۱۹۶۲ به این طرف اتحادیه اقتصادی اروپا، بر مبنای تثبیت قیمت‌ها و کمک به کشاورزان و سرعت بخشیدن به گذر از کشاورزی آذوقه‌ای به کشاورزی بازرگانی تخصصی اتخاذ کرده، چون الگویی از سیاست کشاورزی مجموعه‌ای از دولت‌ها مطرح است. اما حفظ برتری اتحادیه در راستای «حمایت‌گری» (۵۶) از عملکرد آن بعید است که با منافع سازمانهای بین‌المللی دیگر از آن جمله «گات» (۵۷) تصادم نکند.

اضافه کنیم که دولت‌های اروپایی به موازات اتخاذ سیاست اقتصادی، به تدابیر اجتماعی خاصی نیز اندیشیده‌اند. مثلاً برای تشویق، کشاورزان سالخورده کم بهره و ررا بازنشسته می‌کنند و در فرانسه برای آنان «کمک هزینه مادام‌العمر فراغت از کار» (۵۸) در نظر گرفته شده و بر طبق قانون سال ۱۹۸۰ کمک هزینه مورد بحث پرداخت می‌گردد.

منشاء جهانی شدن کشاورزی ناشی از جریان تولیدات کشاورزی به کمک ابزارهای وسیع جهانی، بوده که عمده‌ترین آنها تولیدگندم است که توزیع آن بیزان ۱۰۰ میلیون تن در مقیاس جهانی تدارک وسیله حمل و نقل غول‌آسایی را می‌طلبد و تازه انجام آن در بُعد جهانی بی‌ربطه با اهداف سیاسی نیست.

#### \* کشاورزی نقش ژئوپلیتیکی روبه رشد دارد:

روی هم رفته کشورهای شمال تولید بیشتری دارند، بر عکس کشورهای جهان سوم با مسایل دوگانه‌ای روبرو هستند: از سویی رشد جمعیتی انفجارگونه‌ای دارند و از دیگر سو کشاورزی آنان سطحی و تولیدشان ضعیف است. با آنکه قحطی در معنای خاص کلام در حال پس روی است ولی سوء تغذیه از ویژگیهای مهم این کشورها است. گرچه برنامه‌های کمکی مختلف در سطح دولت‌ها و توافق‌های ناحیه‌ای در محدوده سازمان ملل متحد (ONU) بوسیله فائو (سازمان برای تغذیه و کشاورزی) (۵۹) به مرحله اجرا در می‌آید، اما این کمک‌ها می‌تواند چون سلاحی باشد، مسلماً «سلاح غذایی» (۶۰) که در ایالات متحده آمریکا آنرا «قدرت غذایی» (۶۱) می‌نامند. یعنی از گندم چون وسیله‌ای برای فشارهای سیاسی استفاده می‌شود. بر این کار دو دلیل وجود دارد: این کمک‌ها وسیله‌ای برای بازاریابی اضافه تولید دست‌وپاگیر کشورهای ثروتمند می‌باشد و در عین حال با تغییر در عادات کشورهای کمک‌گیرنده،

وابستگی‌های فرهنگی را تحقق می‌بخشد: ارزن به عنوان مثال یکی از غله‌های محلی است که به تدریج بوسیله گندم کشورهای شمال جایگزین می‌شود. در مورد وابستگی اقتصادی، کشورهای مربوطه مجبورند به سوی کشاورزی جهانی تغییر جهت داده و هدایت شوند تا بتوانند در تامین ارز لازمی که به عملکرد آنها ضروری است موفق گردند.

آنچه مربوط به وابستگی سیاسی است، کشورهای ثروتمند جهان با تدوین قوانینی (در ایالات متحده امریکا قانون به اصطلاح «PL 480») به خود اجازه داده‌اند سیاهه کشورهای دوست خود را که مورد کمک قرار می‌گیرند، تهیه کنند.

مسلماً این «سلاح غذایی» که چون ابزاری برای سلطه شمال بر جنوب است، می‌تواند حتی در مورد کشورهای ثروتمند نیز اجرا شود: برای مثال در سال ۱۹۸۰ ایالات متحده امریکا به سبب اشغال افغانستان از سوی اتحاد جماهیر شوروی سابق، کشتی حامل غله به آن کشور را توقیف کرد. بالاخره در سطح دیگر، محاصره اقتصادی که بر علیه عراق بوسیله سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ برقرار شده است به عنوان یک سلاح غذایی مهیب در مورد جمعیت آن کشور بکار گرفته شده که هنوز بعد از هفت سال نتایج آن را به بار نه نشسته است.\*

### دامپروری و نوگرایی آن:

دامپروری، تولید و نگاهداری حیوانات اهلی یا مفید نوعی از فعالیت‌های سنتی است که مکمل کشاورزی می‌باشد (شکل تولید کشاورزی - شبانی (۶۲)). همچنین دامپروری می‌تواند تنها فعالیتی باشد که در ساختار جوامع نقشی دارد (نظیر جامعه چادر نشین). در شکل دامپروری سطحی از «شبانی‌گری» (۶۳) بحث می‌شود که مبتنی به بهره برداری از گیاهان طبیعی است.

حیوانات و چهارپایان هر بهره برداری برای «خود مصرفی» و یا برای فروش پرورش داده می‌شود. اما هدف غایی دامپروری گوناگون است گرچه اغلب برای استفاده از گوشت و شیر، حیوان پرورش داده می‌شود، با وجود این می‌توان از نیروی کار حیوان نیز سود برد (در

\* - برای آگاهی بیشتر بخش‌های مربوط به روستا، فضای روستایی و آب و خاک را که در شماره‌های آینده «فضای جغرافیایی»

حمل بار بعنوان مثال) و یا برای استفاده از چرم، پشم و پوست) حیوان را پرورش داد. طبیعت و نوع دامپروری بسیار متنوع است: پرورش گاو، خوک، گوسفند، مرغان و پرندگان و یا پرورش ماهی در این زمینه است.

در گذشته روابط تنگاتنگی بین کشاورزی و دامپروری وجود داشت که امروز در جوامع کشورهای صنعتی رو به تغییر دارد. بعضی از کشورها به دامپروری متمرکز در آغل‌ها گرایش دارند و بدین سان از کود حیوانات هم استفاده می‌کنند و یا به منظور پرواری و فربه کردن، گاوها را در چراگاهها، در مزارع بسته‌ای که برای چنین مصرفی اختصاص داده شده است، نگاه می‌دارند. با وجود این امروز دامپروری در مجموع رو به نوگرایی دارد و همبستگی رو به تزاید با رشته کشاورزی غذایی پیدا کرده است. پرورش خوک و مرغ در محیط‌های شهری بدون رابطه با سنت کشاورزی امکان‌پذیر است. برای دامپروری‌های خارج از خاک کشاورزی، استقرار مرکز پرورش دام در محیط‌های روستایی بهتر از پیرامون شهری است، در چنین شرایطی حیوانات در ساختمانهای بسته‌ای پرورش داده می‌شوند و با استفاده از تولیدات مجتمع‌های کشاورزی - صنعتی (نظیر آرد، نواله، مواد روغن‌دار و...) تغذیه می‌شوند. در ایالات متحده روش کلاسیک دامپروری سطحی (نامتمرکز) گاوها که در بهره برداریهای وسیعی بنام «Ranching» (یعنی در قلمروهای بسیار گسترده‌ای که در نواحی استپی آن کشور برای پرورش گاو اختصاص یافته بود) انجام می‌گرفت، به دامپروری «Feed-lots» (در پارک‌های وسیعی با آغل‌هایی که چندین هزار حیوان را، بر حسب سن شان گروه‌بندی کرده و در خود جای داده‌اند) بدل شده است.

نتیجه چنین تغییرات بیشمار، و اغلب همگام با توسعه امکانات بهداشتی و همراه با کاهش قیمت گوشت است. اما بعید نیست که کیفیت گوشت حیواناتی که در چنین تاسیساتی پرورش داده می‌شوند، نگران‌کننده باشد، بهمان گونه که وضع بحران «جنون گاوی» اروپا را در سالهای ۱۹۹۶ - ۱۹۹۷ تکان داد.

- 1- Vallum Morainique
- 2- Choreme
- 3- Géon
- 4- Agriculture, Élevage
- 5- Néolithique
- 6- Cueillette
- 7- Rendement
- 8- Physiocrates
- 9- Quesnay
- 10- Turgo
- 11- Mirabeau
- 12- l'ordre naturel
- 13- Produit net
- 14- Productivité agricole
- 15- Crises subsistance
- 16- Systemes de culture
- 17- Systemes agricoles
- 18- Structures agraires
- 19- Monoculture
- 20- Belts
- 21- Corn belt
- 22- Cotton belt
- 23- Dust bowl
- 24- Polyculture



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



- 25- Révolution verte
- 26- Norman Borlaug
- 27- Révolution doublement vert
- 28- Openfield

۲۹- Mir سیستم مالکیت جمعی زمین است که بطور فصلی قابل تقسیم بوده و قبل از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه تزاری وجود داشت.

۳۰- Ejido تعاونی بومی منتج از اصلاحات ارضی است که مالکیت جمعی زمین را برقرار کرده است.

- 31- Réforme agraire
- 32- Zamindars
- 33- Microfonds ou minifundios
- 34- Latifundios
- 35- Communes populaires
- 36- Kolkhoze
- 37- Sovkhoze
- 38- Groupement agricoles d'exploitation en commun (GAEC)
- 39- Kiboutz
- 40- Fermage
- 41- Khammesat
- 42- Khammes
- 43- Polders
- 44- Foggaras
- 45- Culture intensive
- 46- Culture extensive
- 47- Agriculture itinerante

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 48- Culture temporaire sur brulis
- 49- Lopins
- 50- Autoconsommation
- 51- Agrobusiness
- 52- Filiere agro-alimentaire
- 53- Complexe agro-alimentaire
- 54- Industries agro-alimentaires (IAA)
- 55- Politique agricole commune (PAC)
- 56- Protectionnisme
- 57- Gatt
- 58- Indemnité viagère de depart (IVD)
- 59- Food and Agriculture Organisation (FAO) (organisation pour l'alimentation et l'agriculture.)
- 60- Arme alimentaire
- 61- Food Power
- 62- Agro-Pastoral.
- 63- Pastoralisme

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی